

جغرافیا، جغرافیدانان و توسعه‌ی پایدار

استدلال جغرافیایی

و رودها و بنادر را جغرافیا فرض می‌کنند (شکل ۱-۱۰)، اما در واقع، دانستن نام مکان‌ها و پدیده‌ها تنها بخشی از دانش جغرافیاست. درست مثل محاسبه کردن که بخشی از دانش ریاضیات است یا خواندن که مقدمه‌ی مطالعه‌ی ادبیات به حساب

برخی گمان می‌کنند جغرافیا یعنی حفظ کردن اسامی مکان‌های مختلف یا پدیده‌های گوناگون در روی زمین. آن‌ها مثلاً دانستن نام استان‌های کشور و مراکز آن‌ها یا موقعیت کوه‌ها



جمعیت، ایرانگردی و جهانگردی، به دست آورده بودیم، با نگرش خاص جغرافیایی مطرح کردیم. همه‌ی اطلاعاتی که در این فصول مورد استفاده قرار گرفتند، حاصل پژوهش‌های جغرافیایی نبودند. جغرافیا نیز همانند دیگر رشته‌های علوم، به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز می‌پردازد. گاه خود، آن‌ها را جمع‌آوری می‌کند و گاه از یافته‌های دیگر علوم استفاده می‌کند و با آن‌ها استدلال جغرافیایی را انجام می‌دهد.

می‌آید و در مجموع، همگی ابزار مطالعه‌ی علوم مختلف‌اند. مسلماً می‌دانید که ابزار به تنهایی کاری انجام نمی‌دهد؛ مثلاً یک چکش به تنهایی یک ابزار است که آن را برای انجام دادن کارهایی مثل کوبیدن آهن یا شکستن سنگ به کار می‌برند. حفظ کردن اسامی جغرافیایی مکان‌ها یا پدیده‌ها نیز فقط ابزاری برای مطالعه و استدلال جغرافیایی محسوب می‌شود. در این کتاب، ما اطلاعاتی را که از ویژگی‌های طبیعی و انسانی ایران، آب‌ها، جنگل‌ها و مراتع، بیابان‌ها، مخاطرات طبیعی،

فعالیت ۱-۱۰

مطالبی را که در درس دهم (مخاطرات طبیعی چیست؟) ارائه شده است، یک بار دیگر مرور کنید. ضمن مطالعه، بگویید که اطلاعات این درس، از کدام علوم حاصل شده‌اند.

و آن را تجزیه و تحلیل می‌کند (شکل ۲-۱۰).
به مثال دیگری در این زمینه توجه کنید. اقتصاددانان تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات، نظام‌های اقتصادی و عرضه و تقاضا را مطالعه می‌کنند، اما جغرافیدانان به چگونگی معیشت گروه‌های انسانی در مکان‌های مختلف در رابطه با محیط زندگی‌شان پرداخته و به تجزیه و تحلیل این امر همت می‌گمارند؛ مثلاً، آن‌ها می‌پرسند چرا در یک مکان خاص، بندر ایجاد می‌شود یا چگونه منابع معدنی در یک ناحیه ایجاد و شهرک‌های صنعتی گسترده شده‌اند یا چرا بخش‌های عمده‌ای از فعالیت‌های

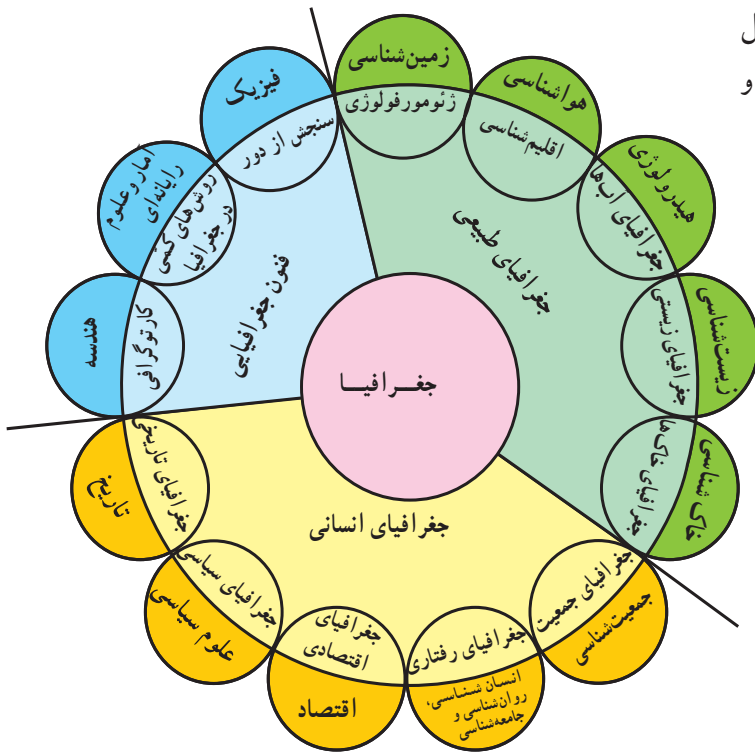
تجزیه و تحلیل پراکندگی‌ها

بسیاری از مباحث مطرح شده در سایر فصول این کتاب نیز حاصل علوم چون گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی، هواشناسی و اقتصاد است اما به شکل مسائل جغرافیایی به شما عرضه شده است. برخی جغرافیا را پُلی بین رشته‌های مختلف علوم می‌دانند که علوم طبیعی را با علوم انسانی پیوند می‌دهد. مباحثی که در فصل آب‌ها یا فصل جمعیت مطرح شد، در آب‌شناسی و جمعیت‌شناسی هم مطرح می‌شوند اما در جغرافیا به پراکندگی آب‌ها در جهان یا پراکندگی جمعیت در روی کره‌ی زمین و بررسی علل آن می‌پردازند.

جغرافیا بیش از هر چیز بر پراکندگی فضایی تأکید می‌کند. پراکندگی فضایی یعنی این که پدیده‌ها در چه مکان‌هایی به وقوع می‌پیوندند و چرا؛ مثلاً چرا سیل در کشور بنگلادش بیش‌تر به وقوع می‌پیوندد. بررسی علل پیدایش سیلاب و منطقه‌ی وقوع آن در واقع بررسی پراکندگی فضایی آن است. هم‌چنین یک گیاه‌شناس بیش‌تر به چگونگی رشد درخت بلوط، ساختمان داخلی و چگونگی ازدیاد آن می‌پردازد یا رده‌بندی گیاهان را انجام می‌دهد اما جغرافیدان به پراکندگی جنگل‌های بلوط در جهان یا مثلاً ایران و علل رشد این گیاه در آن مناطق توجه کرده



شکل ۲-۱۰ تجزیه و تحلیل علل وجود جنگل‌های بلوط در غرب ایران از وظایف جغرافیدانان است.



شکل ۱۰-۴- ارتباط بین علوم مختلف و جغرافیا و شاخه‌های آن

اقتصادی در جنوب شرقی آسیا به تولید ابزارها و وسایل الکترونیکی اختصاص یافته است. آنان هم چنین به تشابهات تفاوت‌های مکان‌ها با یکدیگر توجه دارند (شکل ۱۰-۳).



شکل ۱۰-۳- چه عواملی سبب رونق فعالیت‌ها در این بندر شده است؟

ارتباط بین جغرافیا و علوم دیگر

در دو منالی که در بالا ارائه کردیم (گیاه‌شناسی و اقتصاد)، بین جغرافیا و گیاه‌شناسی و جغرافیا و اقتصاد ارتباطی وجود داشت. بین جغرافیا و سایر رشته‌ها نیز ارتباط‌هایی وجود دارد. به شکل ۱۰-۴ توجه کنید. چنان‌که در شکل ۱۰-۴ می‌بینید، جغرافیا از یافته‌های

علوم دیگر هم استفاده می‌کند و با دید ترکیبی بررسی‌ها و مطالعات خود را در مورد پراکندگی پدیده، روابط بین آن‌ها انجام می‌دهد. برای رسیدن به نتایج مطلوب جغرافیدان از ابزار و فنون جدید و پیشرفته‌ای مانند سنجش از دور*، رایانه، کارتوگرافی و آمار نیز بهره می‌گیرد.

فعالیت ۲-۱۰

با توجه به شکل ۱۰-۴ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- از هندسه بیش‌تر در چه شاخه‌ای از جغرافیا استفاده می‌شود؟
- ۲- اقلیم‌شناسی (آب و هواشناسی) و ژئومورفولوژی یافته‌های کدام یک از علوم علم را در اختیار جغرافیا قرار می‌دهند؟
- ۳- جغرافیای رفتاری، از داده‌های کدام علوم استفاده می‌شود؟
- ۴- فکر می‌کنید جغرافیای تاریخی یعنی چه؟ توضیح دهید و مثال بزنید.



(الف)



(ب)

شکل ۵-۱۰ چشم انداز مکان‌ها بر اثر تغییرات اقتصادی دچار تحول و دگرگونی می‌شود.

فعالیت‌هایشان را در مکان‌های مختلف جهان بررسی و مطالعه می‌کند؛ مثل زبان، مذهب، صنعت، شهرنشینی، روستانشینی، رفتارهای اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی. این شاخه از جغرافیا را در قلمرو علوم انسانی یا اجتماعی قرار می‌دهند. کاربرد موضوعات جغرافیای انسانی نیز یافتن راه‌هایی برای حل مشکلات محیطی نظیر مهاجرت روستائیان به شهرهاست. جغرافیدانان طبیعی و انسانی با یکدیگر بیگانه نیستند.

جغرافیا، علم ترکیبی

هنگامی که جغرافیدان، اسامی مکان‌ها و چگونگی وقوع پدیده‌ها را شناخت، به طرح پرسش‌های تازه‌ای می‌پردازد؛ مثلاً، اگر با پدیده‌ی تراکم جمعیت در جنوب شرقی آسیا روبه‌رو شود، این سؤال‌ها را مطرح می‌کند:

*** چرا** در این ناحیه از جهان، تراکم جمعیت زیاد است؟ چه عواملی سبب جذب جمعیت به این قسمت از جهان شده است؟

*** چگونه** پدیده‌های محیطی بر جمعیت جنوب شرقی آسیا تأثیر می‌گذارند و این مکان خاص را به وجود می‌آورند؟

*** چه ارتباطی** بین کشورهای جنوب شرقی آسیا و دیگر نواحی جهان وجود دارد (سرمایه‌ها، جمعیت، فنآوری و...)?

*** چه عواملی** سبب رونق فعالیت‌های اقتصادی مردم در این ناحیه از جهان شده است؟

*** چشم‌اندازهای** کشورهای جنوب شرقی آسیا چگونه تغییر می‌کنند؟ (شکل ۵-۱۰)

*** تغییر** در این کشورها چه تأثیراتی بر زندگی مردم دارد؟

پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها نیازمند ترکیب کردن اطلاعات حاصل از علوم مختلف است و جغرافیا با ترکیب این اطلاعات، به سؤالات اساسی جغرافیایی پاسخ می‌گوید و در نهایت، دیدگاه جغرافیایی را در بررسی یک مکان، ارائه می‌دهد.

شاخه‌های علم جغرافیا

در شکل ۴-۱۰ دقت کنید. همان‌طور که در این شکل می‌بینید، یکی از شاخه‌های علم جغرافیا، **جغرافیای طبیعی** است. این شاخه از علم جغرافیا، موضوعاتی چون آب و هواشناسی، آب‌ها، ناهمواری‌ها، خاک‌ها، پوشش‌های گیاهی و زندگی جانوری را در کره‌ی زمین بررسی می‌کند. جغرافیای طبیعی را در قلمرو علوم طبیعی قرار می‌دهند. کاربرد موضوعات جغرافیای طبیعی یافتن راه‌هایی برای حل مشکلات محیطی نظیر مخاطرات طبیعی است.

جغرافیای انسانی، گروه‌های انسانی و ویژگی‌ها و



به کار می‌برند.

به علت نیاز به شناسایی محیط زندگی و برنامه‌ریزی برای آینده‌ی این محیط و مردم ساکن آن، جغرافییدانان هم وارد میدان مطالعات اقتصادی، اجتماعی شده‌اند. به همین علت، از گذشته‌های دور تاکنون، بین جغرافیا و مطالعات توسعه، ارتباطی قوی وجود داشته است.

برداشت‌های متفاوت از توسعه

با توجه به درآمد کشورها و معیارهای اقتصادی، کشورهای جهان به دو گروه عمده یعنی کشورهای توسعه یافته اقتصادی و کشورهای در حال توسعه اقتصادی تقسیم شده‌اند.

بعد از جنگ جهانی دوم کشورها به دو گروه کشورهای سرمایه‌داری، و کشورهای دارای نظام برنامه‌ریزی شده‌ی متمرکز، تقسیم شدند و کشورهای فقیر را جهان سوم نام نهادند. با فروپاشی اتحاد شوروی در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ و از بین رفتن نظام برنامه‌ریزی شده در این کشور و در بسیاری از کشورهای تحت سلطه‌اش در اروپای شرقی، کشورهای جهان سوم مفهوم خود را از دست دادند. اکنون کشورها را به دو گروه عمده‌ی کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه تقسیم می‌کنند.

توسعه‌ی پایدار

بعد از کنفرانس ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ که در مورد محیط زیست بود و به اجلاس زمین معروف شد، عنوان تازه‌ای به نام توسعه‌ی پایدار مطرح شد، که در اجلاس زمین در سال ۲۰۰۲ میلادی در دوربان آفریقای جنوبی نیز مورد تأکید قرار گرفت. همان طور که گفتیم، استفاده از منابع محیطی مثل معادن، جنگل‌ها، مراتع، آب‌ها، نفت و زغال سنگ و دیگر مواد انرژی‌زا لازمه‌ی توسعه‌ی اقتصادی است و کشورها برای پاسخ‌گویی به نیازهای مردم خود، به ناچار از منابع محیطی استفاده می‌کنند؛ مثلاً کشور هند با جمعیت زیاد و روبه رشد باید از منابع خود استفاده کند تا به توسعه‌ی اقتصادی دست یابد (شکل ۸-۱۰).

آنان یافته‌های خود را با هم در میان می‌گذارند و آن‌ها را با هم ترکیب می‌کنند؛ آن‌گاه یافته‌های حاصل را تجزیه و تحلیل می‌کنند تا بتوانند چشم‌اندازها را تفسیر کنند و به درک روابط متقابل انسان و محیط زندگی‌اش بپردازند (شکل ۶-۱۰).



شکل ۶-۱۰- درک چشم‌اندازها کار چندان آسانی نیست و نیازمند اطلاعات بسیاری از علوم دیگر است.

جغرافیا و توسعه

معنای توسعه: توسعه در لغت به معنای گستردن و فراخ کردن و در اصطلاح به مفهوم حرکت به جلو برای رسیدن به شرایط بهتر است. هنگامی که این لغت درباره‌ی جوامع به کار می‌رود، به معنای استفاده از امکانات محیطی و اجتماعی برای بهبود بخشیدن به شرایط زندگی در آن جامعه است و از این نظر، توسعه یک مفهوم اقتصادی پیدا می‌کند. اغلب کلمه‌ی توسعه را به همراه کلمه‌ی اقتصاد به شکل توسعه‌ی اقتصادی



شکل ۷-۱۰- نقشه کشورهای جهان بر اساس تولید ناخالص ملی سرانه



شکل ۹-۱۰



شکل ۸-۱۰- کشور پرجمعیت هند بر منابع طبیعی این کشور فشار وارد می‌کند.

نمی‌آورد و پایدار نیست.

هم‌چنین درباره‌ی توسعه‌ی پایدار گفته‌اند که این نوع توسعه

به ابعاد چهارگانه زیر توجه دارد:

اگر بهره‌برداری از منابع بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های محیطی و فقط برای رفع نیازهای جمعیت کنونی باشد، خسارت جدی و جبران‌ناپذیری به محیط وارد می‌شود و نسل‌های آینده دچار ضرر و زیان خواهند شد؛ بنابراین، چنین توسعه‌ای دوام

۲- بُعد زیست محیطی (اکولوژیکی): توجه به امکانات محیطی و بهره‌برداری صحیح از آن و بر هم نزدن توازن در طبیعت و جلوگیری از بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آن.

۳- بُعد مکانی: ایجاد تعادل بین روستاها و شهرها و عملی کردن توسعه‌ای که ساکنان همه‌ی بخش‌های مختلف یک کشور را دربرگیرد.

۴- بُعد فرهنگی - اجتماعی: توجه به ویژگی‌های فرهنگی جوامع و یافتن راه‌های مناسب برای توسعه که با خصوصیات فکری، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه مطابق باشد.

توسعه‌ی پایدار به معنای تأمین نیازهای امروز، بدون کاستن از توانمندی‌های نسل‌های آینده است. البته منظور ما این است که آیندگان هم از منابع و ذخایر سهمی داشته باشند. توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ای همه‌جانبه است و فقط به تأمین نیازهای مادی انسان امروز از محیط نمی‌اندیشد.

۱- بُعد اقتصادی: مدیریت منابع مالی به نفع عموم مردم؛ به طوری که عامه‌ی مردم از آن سود ببرند. توزیع عادلانه درآمد و ثروت و جلوگیری از ایجاد فاصله‌ی زیاد سطح زندگی بین فقیر و غنی.

خلاصه

- جغرافیا بر پراکندگی فضایی پدیده‌ها تأکید می‌کند و با نگرشی خاص، دستاوردهای علوم دیگر را با هم ترکیب می‌کند.
- برداشت‌ها از توسعه و مفهوم آن متفاوت بوده و کشورهای مختلف براساس این برداشت‌ها تقسیم‌بندی شده‌اند.
- توسعه‌ی پایدار یعنی توسعه‌ای که تداوم داشته باشد و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در آن در نظر گرفته شود.

اقتصاد کشورهای دور و نزدیک - که مصرف کننده یا تولید کننده این ماده‌ی انرژی‌زاینده - دارد. حتی، کشف یک داروی جدید در یک ناحیه‌ی جهان ممکن است سبب مداوای بیماران در نواحی دور و نزدیک جهان امروز شود. این مثال‌ها، وابستگی انسان‌ها را به یکدیگر در جهان امروز نشان می‌دهد؛ بنابراین، ما به کسب اطلاعاتی از سایر کشورها و نواحی جغرافیایی جهان نیازمندیم. به همین علت، کارشناسان توسعه معتقدند که امر توسعه را باید در همه جای کره‌ی زمین در نظر گرفت و یک ناحیه یا کشور را نمی‌توان از سایر کشورها جدا کرد. بسیاری از پدیده‌هایی که در امر توسعه تأثیر می‌گذارند، جهانی‌اند و گستره‌ی وسیعی دارند.

توسعه و وابستگی انسان‌ها و مکان‌ها به یکدیگر می‌گویند دنیا در حال کوچک شدن است؛ شاید این عبارت چندان هم دور از واقع نباشد. ما همواره اخباری را درباره‌ی دیگر مکان‌ها و کشورها دریافت می‌کنیم. رسانه‌های گروهی به ما امکان می‌دهند که از دیگر مکان‌ها با خبر باشیم. اتفاقاتی که در یک کشور یا منطقه رخ می‌دهد، بر دیگر نواحی جهان تأثیر می‌گذارد؛ مثلاً وقوع سیلی که باعث نابودی کشتزارهای گندم یا برنج در یک کشور می‌شود، ممکن است بر قیمت این کالاها در این کشور و مناطق دورتر تأثیر بگذارد و ارزش آن‌ها را در نواحی دوردست افزایش دهد (شکل ۹-۱۰) یا نوسان قیمت نفت، تأثیر زیادی بر



شکل ۱۰-۱- آیا وقوع سیل در یک کشور، در سایر نواحی جهان تأثیر دارد؟

فعالیت ۳-۱۰

- ۱- با توجه به درس هشتم و نهم، توضیح دهید که چگونه آلودگی‌های محیطی یک کشور بر سایر کشورها تأثیر می‌گذارد؟
- ۲- مثال‌های دیگری ذکر کنید که نشان دهنده‌ی تأثیر رویدادهای طبیعی یا تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی در یک کشور بر کل جهان یا نواحی دیگر آن کشور باشد.



توسعه را چگونه اندازه‌گیری می‌کنند؟

برای محاسبه‌ی میزان توسعه‌ی کشورها، از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌کنند مثل:

- * مقدار مصرف سرانه‌ی آهن یا سیمان
- * نرخ زاد و ولد
- * شاخص‌های دیگر ...

* میزان درآمد سرانه‌ی مردم یک کشور

به جدول زیر توجه کنید. در این جدول، برخی از شاخص‌هایی که در محاسبه‌ی میزان توسعه‌ی اقتصادی کشورها مورد توجه قرار می‌گیرند، ذکر شده است.

* مقدار مصرف سرانه‌ی انرژی

* طول عمر مورد انتظار در بدو تولد (امید به زندگی)

جدول ۱-۱۰. جدول شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی در برخی از کشورها (۲۰۱۰)

نام کشور	امید به زندگی زنان (سال) مردان	درآمد سرانه (دلار)	رتبه‌ی درآمد سرانه	مصرف سرانه‌ی انرژی برحسب کیلوگرم زغال سنگ*	رتبه	نرخ زاد و ولد (درصد)	رتبه	جمعیت (میلیون نفر)	رتبه
سوئیس	۸۴	۷۹	۴۳۰/۸۰	۳۶۲۹		۱		۷/۶	
نروژ	۸۳	۷۸	۵۳/۶۹۰	۵۳۱۸		۱/۲		۴/۸	
فرانسه	۸۵	۷۸	۳۳/۴۷۰	۴۰۴۲		۱/۳		۶/۲۶	
ژاپن	۸۶	۷۹	۳۴/۶۰۰	۳۸۵۶		۰/۹		۱۲۷/۷	
مجارستان	۷۷	۶۹	۱۷/۴۳۰	۲۳۸۳		۰/۳		۹/۹	
مصر	۷۴	۷۰	۵/۴۰۰	۶۰۰		۲/۷		۷۸/۱	
کلمبیا	۷۶	۶۹	۶/۶۴۰	۶۲۲		۲		۴۵/۷	
کویت	۷۹	۷۷	۴۹/۹۷۰	۸۶۲۲		۲/۱		۲/۸	
زلاندنو	۸۲	۷۸	۲۶/۳۴۰	۴۲۴۵		۱/۵		۴/۴	
زامبیا	۳۷	۳۸	۱/۲۲۰	۱۴۹		۴/۳		۱۲/۷	
کنیا	۵۳	۵۳	۱/۵۴۰	۱۱۰		۴		۴۰/۲	
هند	۶۶	۶۵	۲/۷۴۰	۲۴۸		۲/۴		۱۱۸۶/۴	

* معادل زغال سنگ محسوب شده است وگر نه همه این کشورها فقط زغال سنگ مصرف نمی‌کنند.

منبع اطلاعات جدول: Harmj.DEBLij.Petero.Muller2010.Global Geography

فعالیت ۴-۱۰

۱- با توجه به ارقام جدول ۱-۱۰، رتبه‌ی کشورها را در ستون مربوط به آن‌ها بنویسید.

۲- آیا می‌توان از ارقام جدول نتیجه گرفت که کشورهایی که از نظر درآمد رتبه پایینی دارند، رشد جمعیت زیادی دارند؟

۳- آیا به نظر شما، می‌توان فقط با توجه به شاخص‌هایی که در جدول آمده‌اند، میزان توسعه‌یافتگی کشورها را مشخص کرد؟ چرا؟

* نرخ مرگ و میر در کودکان زیر پنج سال (شکل ۱۱-۱)

* میزان ثبت نام دختران در مدارس

* درصد نیروی انسانی شاغل در فعالیت‌های صنعتی و خدماتی.

البته گاهی برای مشخص کردن میزان توسعه در کشورها، شاخص‌های دیگری هم مورد محاسبه قرار می‌گیرند؛ مثل:

* درصد باسوادی

* میزان دسترسی به شبکه‌ی راه‌ها (طول راه‌آهن، بزرگراه‌ها و...)

* میزان اشتغال زنان در مشاغل علمی و فنی



شکل ۱۱-۱- واکسینه کردن کودکان که سبب کاهش میزان مرگ و میر کودکان زیر پنج سال می‌شود، از نشانه‌های توسعه در یک کشور است.

جهان‌نما پردازند، نقشه‌ی جالب دیگری را ابداع کرده‌اند. در این نقشه وسعت کشورها براساس میزان تولید ناخالص ملی آن‌ها (معیار اقتصادی) در نظر گرفته می‌شود (شکل ۱۲-۱۰).

اندازه‌ی نسبی اقتصادی کشورها

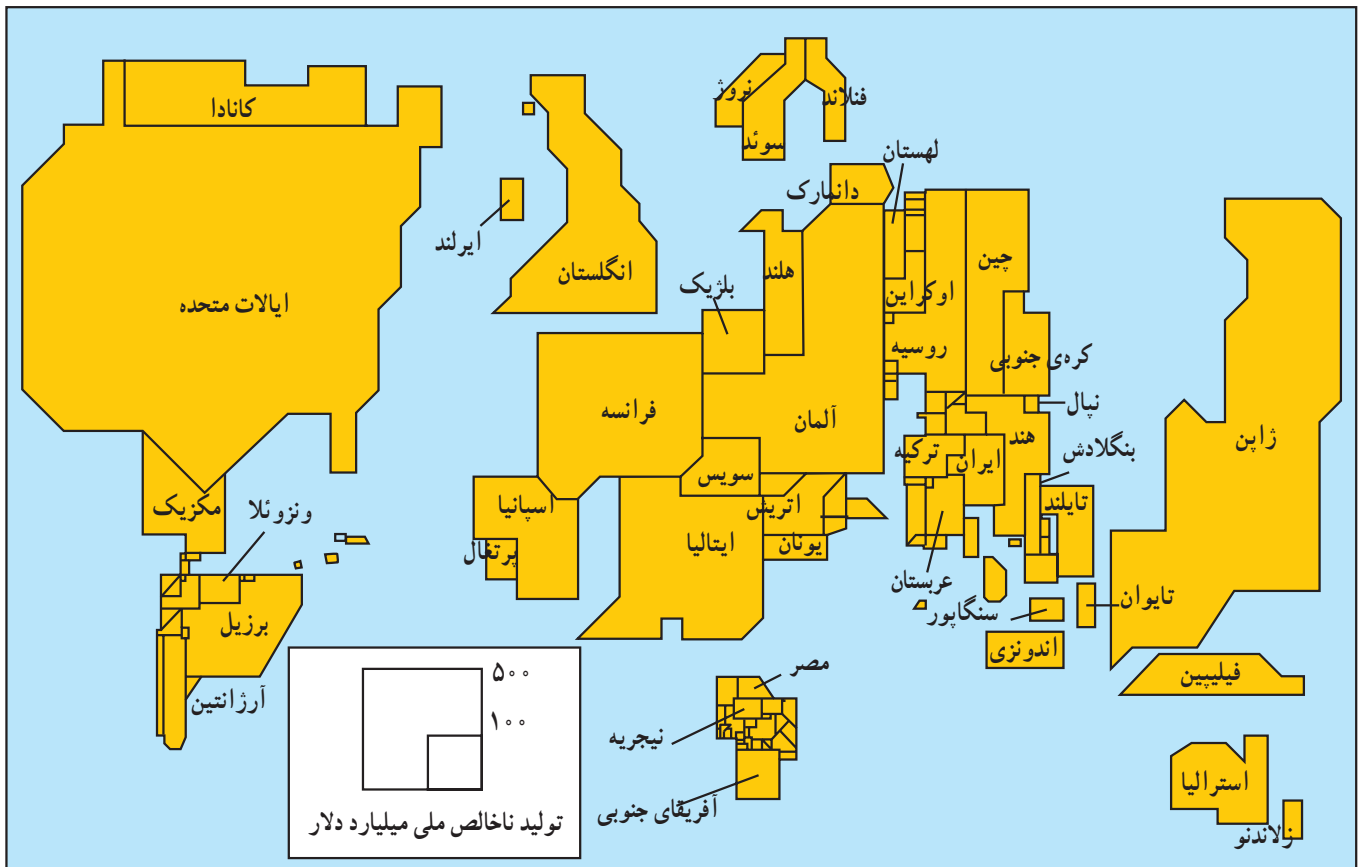
جغرافیدانانی که موضوع توسعه را بررسی می‌کنند، به جای آن‌که با توجه به وسعت واقعی کشورها به تهیه‌ی نقشه‌ی

فعالیت ۵-۱۰

۱- در شکل ۱۲-۱۰ به وسعت کشورهای ژاپن، روسیه و برزیل در روی نقشه‌ی صفحه‌ی بعد توجه کرده و وسعت ایران را با بسیاری از کشورهای جنوب شرقی آسیا و منطقه‌ی خاورمیانه مقایسه کنید.

۲- اندازه‌ی کشورهای ایران، بلژیک، ایتالیا، ژاپن و استرالیا را با اندازه‌ی واقعی آن‌ها در روی یک نقشه جهان‌نما مقایسه کنید.

۳- به نظر شما چرا کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی این قدر کوچک شده‌اند؟



شکل ۱۲-۱۰. اندازه‌ی نسبی اقتصادی کشورها براساس تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۵ میلادی

شاخص توسعه‌ی انسانی

یک کشور نتیجه‌گیری می‌شد؛ مثلاً، کشور کم وسعت کویت با درآمدهای نفتی زیاد و جمعیت کم، درآمد سرانه‌ی زیادی داشت که سبب می‌شد این کشور، توسعه یافته تلقی شود. اگر تنها عوامل اقتصادی در نظر گرفته شود، دسته‌بندی کشورها از نظر توسعه به ترتیب خاصی خواهد بود. کشورهای

توسعه‌ی اقتصادی تا چندی پیش یک مفهوم گسترده و گاه نامشخص بود که هر ملتی از آن برداشت خاصی می‌کرد. در آن زمان، برای تعیین توسعه‌ی اقتصادی در یک کشور، اغلب از محاسبه‌ی درآمد سرانه‌ی مردم کشورها یا میزان رشد اقتصادی

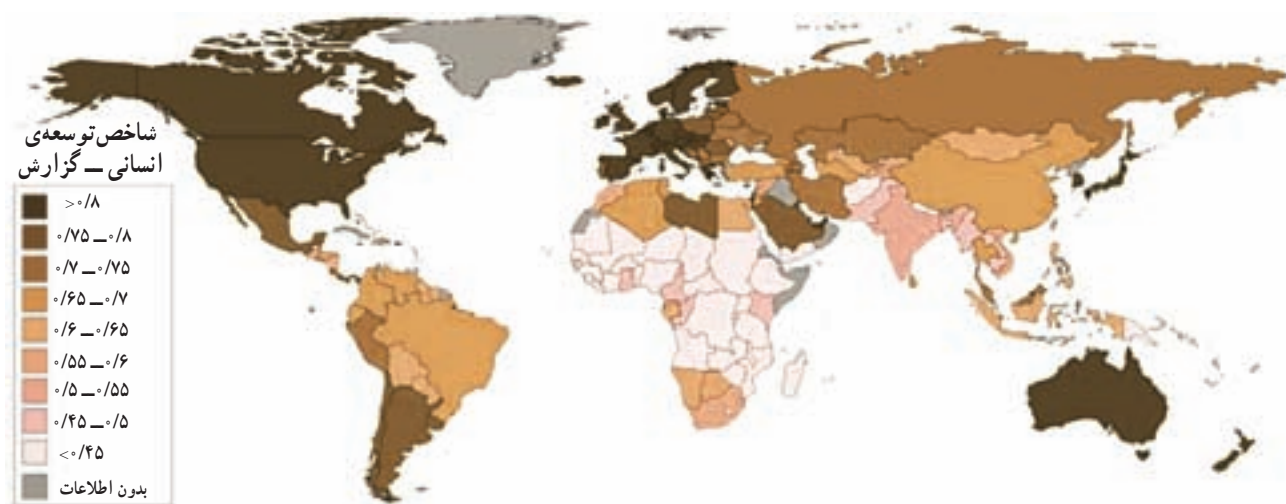
فعالیت ۶-۱۰

در شکل ۱۳-۱۰ دقت کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- ۱- میزان شاخص توسعه‌ی انسانی برای ایران چه مقداری را نشان می‌دهد؟
- ۲- میزان شاخص مذکور برای استرالیا چه مقداری را نشان می‌دهد؟
- ۳- میزان شاخص مذکور برای هند چه قدر است؟
- ۴- چرا مقدار این شاخص برای دو کشور هند و چین کم است؟

شاخص، نمره‌ی یک را دریافت می‌کند و هرچه شاخص کشوری به عدد یک نزدیک‌تر باشد، نشانه‌ی بالا بودن توسعه‌ی انسانی در آن کشور است و برعکس؛ مثلاً در سال ۲۰۱۰ کشور سوئد بالاترین و کشور زیمبابوه کم‌ترین رتبه را بین کشورهای جهان داشته‌اند و کشور ایران رتبه ۷۰ را در میان ۱۹۴ کشور جهان به دست آورده است. هم‌چنین این شاخص در طول زمان یعنی سال‌های مختلف، متغیر است و ممکن است کشوری از شاخص رتبه پایین به سمت بالا حرکت کند یا برعکس! نتیجه‌ی محاسبه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی برای کشورهای مختلف جهان، مشخص شده و بر روی نقشه‌ای نشان داده شده است (شکل ۱۳-۱۰).

ثروتمند در بالای جدول و کشورهای فقیر در پایین جدول توسعه قرار می‌گیرند اما چنان‌که می‌دانیم، پول و ثروت نشانگر همه چیز نیست؛ به همین دلیل، کارشناسان توسعه در سازمان‌های بین‌المللی (مثل سازمان ملل متحد یا بانک جهانی*) سعی کرده‌اند با استفاده از آمارها کیفیت زندگی را در کشورهای مختلف با یکدیگر مقایسه کنند. آنان شاخص جدیدی را به نام **شاخص توسعه‌ی انسانی** مطرح کرده‌اند که در آن، سه عامل قدرت خرید مردم، امید به زندگی و میزان باسوادی مورد توجه قرار می‌گیرد که اولی اقتصادی، دومی بهداشتی - درمانی و سومی از جمله‌ی مسائل فرهنگی است. در صورتی که کشوری در هر سه زمینه‌ی یاد شده بالاترین حد را داشته باشد، به عنوان



شکل ۱۳-۱۰- نقشه‌ی جهانی مقدار شاخص توسعه‌ی انسانی برای کشورها (۲۰۱۰)

آیا واقعاً با بهبود شاخص‌های توسعه، زندگی واقعی مردم تغییری می‌کند؟ چه چیزی شادی مردم را اندازه‌گیری می‌کند؟ با چه معیارهایی می‌توان میزان پای‌بندی مردم را به اعتقادات ملی و مذهبی اندازه‌گیری کرد؟ مقدار توجه آنان را به محیط زیست و حفظ تعادل آن چگونه باید اندازه گرفت؟ وظیفه‌ی جغرافیا و جغرافیدانان توجه به همه‌ی عوامل دخیل در محیط طبیعی و انسانی و بررسی روابط پیچیده‌ی آن‌ها با یکدیگر است. تجزیه و

وظایف جغرافیدانان در مطالعه‌ی توسعه

البته باید یادآوری کرد که بسیاری از کشورها با شاخص‌های مختلفی که نشان‌دهنده‌ی توسعه است، موافق نیستند. به عقیده‌ی آنان این شاخص‌ها و تعاریف سبب تقسیم کشورهای جهان به کشورهای ثروتمند و فقیر می‌شود. ریشه‌های این ثروت و فقر باید دقیقاً مورد مطالعه قرار گیرد و به عوامل تاریخی و اجتماعی در این امر توجه شود. هم‌چنین باید دید که

تحلیل داده‌های محیطی و انسانی و ارائه‌ی چهره‌ی واقعی از ارزش جغرافیا را مشخص کرده و مطالعات جغرافیایی را جهان امروز، از وظایف جغرافیدانان است. چنین مطالعاتی، لذت‌بخش می‌کند.



شکل ۱۴-۱۰- یک چشم‌انداز اندیشیده‌ی جغرافیایی

خلاصه

- برای اندازه‌گیری میزان توسعه و نمایش توسعه یافتگی، معیارها و ابزارهای گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- در شاخص توسعه‌ی انسانی سه عامل قدرت خرید مردم، امید به زندگی و با سوادگی در نظر گرفته می‌شود.
- جغرافیدانان در مطالعات توسعه می‌توانند نقش عمده‌ای را بر عهده گیرند.